

Semantic Harmony and Conceptual Consistency in the Mysterious Proportion of Al-Rawi Verse Gaps in the Quran Based on Converging End Letters [In Persian]

Hasan Meghyasi ¹ , Hasan Barzanooni ^{2*} 

¹ Associate Professor and faculty member of the Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Qom, Qom, Iran

² Master's degree in Arabic language and literature, Faculty of Literature and Humanities, Qom University, Qom, Iran



*Corresponding author: hasanbarzanooni@yahoo.com



Received: 07 Feb, 2024

Revised: 27 Feb, 2024

Accepted: 15 Mar, 2024

ABSTRACT

The Holy Quran, as a representation of profound grandeur and magnificence, is not only remarkable and miraculous in its content and essence, but also in its linguistic mechanisms and structural elements. The spaces between verses illustrate some of the most effective and captivating methods that, apart from the musical structure and rhythmic melody, establish harmony and coherence in communicating the message and substance of the verses. The organization of the final letters of verses (Al-Rawi letters) in forming connections and harmonies with the internal aspects of a verse sometimes adopts a disruptive and dissimilar structural shape. Examining and analyzing the variations in the final letters of verses becomes crucial from a sound perception standpoint. This research methodology emphasizes the aesthetic and semantic beauty that aims to affirm the textual beauty based on the endings of verses. Initially, the lexical and terminological meaning of the term "gap" and the explanation of the types of converging harmonies in pronunciation are discussed in Arabic. Subsequently, the primary focus is on the dissimilar and alternative aspects at the end of verses, with the presentation of examples and evidence of various types, indications, and semantic functions of sounds. The findings suggest that the realm of dissimilarity of converging end letters in the gaps has been accompanied by similar indications in a manner where they have presented the same indication by breaking down into details but have emerged in a dissimilar expressive style. In essence, changes in the surface structure, viewed from the perspective of converging end letters, are evident in similar indications, but the addressing style shifts from direct to absent or different assertion. Consequently, the gap in the Quran not only enhances the musicality of the verses but instigates changes that deviate some combinations, indications, and expressive styles from the norm. Hence,

through varied linguistic structures, the connection, coherence, and systematic nature of the lines of Quranic chapters are interlinked.

Keywords: Sociolinguistics, Holy Quran, Verse Gaps, Al-Rawi Letters, Elusive Proportion, Conceptual Coherence.

تناسب معنایی و همبستگی مفهومی در تناسب گریزی روی فواصل آیات بر مبنای حروف متقارب در مخرج

حسن مقیاسی^۱، حسن برزنونی^{۲*}

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه قم، قم، ایران

۲. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه قم، قم، ایران

*نویسنده مسئول مقاله Email: hasanbarzanooni@yahoo.com

پذیرش: ۱۴۰۲/۸/۲۵

اصلاح: ۱۴۰۲/۸/۰۸

دریافت: ۱۴۰۲/۸/۱۸

چکیده

قرآن کریم به عنوان تجلی گاه والایی و شکوهمندی سازنده‌ی برین؛ نه تنها از بعد محتوا و درون‌مایه، بلکه به جهت سازوکارهای زبانی و جنبه‌های ساختاری، متنی شگفت و معجزه آفرین است. گزاره‌های پایانی آیات (فواصل)، نموداری از بهترین و جذاب‌ترین شیوه‌هایی است که افزون بر ساختار موسیقایی و لحن ریتمیک، همخوانی و سازوکاری درونی با انتقال پیام و محتوای آیات برقرار نموده‌اند. نظام چینش حروف پایانی آیات (حرف روی) در پی القای بینش‌ها و درونیات همسوی آیه‌ای، گاهی صورتی ساختارشکن و ناهمبندی به خود می‌گیرند؛ در این خصوص از دیدگاه القاگری آواها، واکاوی و پردازش شیوه‌های دگرگونی حروف پایان بندها امری ضروری می‌نماید. رویکرد این پژوهش، رویکردی زیبایی‌شناسانه و معناشناسانه است که می‌کوشد بر مبنای پایان‌بندی‌های آیات، نکته‌های زیبایی متن را بکاود؛ از این رو نخست به معنای لغوی و اصطلاح‌شناسی واژه «فاصله» و نیز تبیین گونه‌های همخوان‌های متقارب در مخرج در زبان عربی پرداخته می‌شود، و سپس با تکیه بر این مؤلفه‌ها، در مبحث اصلی که کاوش در جنبه‌های ناهمبندی و جایگزین در پایان آیات است؛ با ارائه نمونه‌ها و شواهدی از گونه‌های ناهمگون، دلالت‌ها و کارکردهای معنایی آواها پی گرفته می‌شود. نتایج بیانگر این است که حوزه ناهمبندی حروف متقارب در مخرج در روی فواصل، با دلالت‌های همانند همراه بوده است، به گونه‌ای که گویا دلالت یکسان با تقسیم به جزئیات پا به عرصه گذاشته‌اند، اما در سبک بیان ناهمگون ظاهر شده‌اند. به عبارتی دیگر، تغییر در ساختار روی از دید حروف متقارب در مخرج، در دلالت‌های همانند یافت می‌شود، اما در اسلوب خطاب از مستقیم به غائب یا تقریر مختلف می‌شود؛ لذا فاصله در قرآن تنها به موسیقی آیات کمک نمی‌کند؛ بلکه به تغییراتی منجر می‌شود که برخی از ترکیب‌ها و دلالت‌ها و اسلوب‌های بیانی را از حالت عادی خارج می‌سازد. از این رو، از خلال ساختارهای زبانی ناهمگون، ارتباط و تناسب و نظام‌مندی خطوط سوره‌های قرآن، به هم پیوند می‌خورند.

واژگان کلیدی: زبان‌شناسی اجتماعی، قرآن کریم، فواصل آیات، حرف روی، تناسب گریزی، همبستگی مفهومی.

۱. مقدمه

نظام آوایی یا زیبایی صوتی آیات قرآن، پدیده شگفتی است که بیش از هر چیز در همان آغاز نزول برای عرب‌ها گوش‌نواز و دل‌نشین بوده است. از جمله مؤلفه‌های شکل‌گیری نظام ریتمیک و آهنگین در قرآن کریم، گزاره‌های پایانی آیات است. این منبع موسیقی و وجه اعجاز موسیقایی قرآن، آیات را در بستری روح‌افزا و گیرا استقرار می‌دهد؛ لذا اهمیت این پایانه‌ها به جهت سازگاری و ارتباط آوایی بین مضمون و معنا شناخته می‌شود. نقش فاصله در قرآن مثل قافیه در شعر و قرینه سجع است؛ با این تفاوت که محتوا بر حضور واکه‌های پایانی آیات حاکمیت کامل دارد. در موسیقی این واژگان، هم‌نشینی و باهم‌آیی پیاپی حروف دخیل‌اند و هم زیبا و گوش‌نوازند و هم با معنا و مفهوم، تداعی و سازگاری کامل دارند. حروف پایانی فاصله‌ها (حرف روی)، گاه با توجه به حوزه معنایی و مفهومی در صورت‌های ناهمگون و ناهمانند ظاهر می‌شوند، که این وجه بسیار مهم در نظام موسیقی اعجاز‌آمیز، مورد توجه قرار نگرفته است، لذا مقاله حاضر با هدف رفع این خلأ پژوهشی و در راستای انسجام و وحدت مضمونی و توانش محتوایی و پیوند درون‌مایه‌ای آیات گام می‌نهد. بدین جهت دیدگاه پژوهش پیش رو بر اساس نظام جایگزینی در حروف روی فواصل آیات به فراخور همخوان‌های متقارب در مخرج کوشش نموده است تا این‌گونه ايقاع‌ها و ریتم‌ها در چینش ناهمانند پایان بندهای آیات، مورد پردازش مفهومی و تحلیل معنایی قرار گیرد.

رویکرد این پژوهش، رویکردی زیبایی‌شناسانه و معناشناسانه است که می‌کوشد بر مبنای پایان‌بندی‌های آیات، نکته‌های زیبایی متن را بکاود؛ از این رو نخست به معنای لغوی و اصطلاح‌شناسی واژه «فاصله» و نیز تبیین گونه‌های همخوان‌های متقارب در مخرج در زبان عربی پرداخته می‌شود، و سپس با تکیه بر این مؤلفه‌ها، در مبحث اصلی که کاوش در جنبه‌های ناهمانند و جایگزین در پایان آیات است؛ با ارائه نمونه‌ها و شواهدی از گونه‌های ناهمگون، دلالت‌ها و کارکردهای معنایی آواها پی گرفته می‌شود. مباحث مطرح شده در این نوشتار می‌کوشد به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. مفهوم شناسی لغوی و اصطلاح‌شناسی فاصله در پژوهش‌های قرآنی به چه قرار مطرح شده است؟

۲. همخوان‌های متقارب در مخرج از دیدگاه حروف زبان عربی چگونه مطرح شده است؟

۳. ساختارهای ناهمگون روی در فاصله‌های قرآن کریم بر پایه همخوان‌های متقارب در مخرج به چه شکل و میزان بوده است؟

۴. ناهمگونی این ساختارها، تا چه حد پیوند و سازگاری در زیبایی‌های آیات دارد؟

۵. تناسب واجگاه آواها و القاگری آن‌ها در پایان بندها تا چه اندازه در خدمت محتوا و اهداف معنایی آیات بوده است؟

پاسخ به مجموعه این پرسش‌ها ضرورت کندوکاو در سازوکارهای زبانی آیات و کشف دلالت‌های معنایی را سبب شده است.

۱-۱ مرور پیشینه مطالعاتی پژوهش

بر اساس مطالعات و گزارش‌های انجام گرفته و شواهد موجود، موضوع این مقاله تاکنون در قالب پژوهشی مستقل مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است. پژوهش‌هایی که در زمینه فواصل آیات به انجام رسانده‌اند، تنها جنبه هماهنگی و تناسب فاصله‌های آیات با معنای کلی آیه را بررسی نموده‌اند و گاه به صورت تفکیک سوره‌های قرآن کارکرد موسیقایی آن را مدنظر قرار داده‌اند که می‌توان به پایان‌نامه‌هایی اشاره کرد که در مقطع کارشناسی ارشد رشته تفسیر و علوم قرآن در دانشگاه اسلامی غزه نوشته شده است: «المناسبة بين الفواصل القرآنية وآياتها دراسة تطبيقية لسورتي الانفال والتوبة، المناسبة بين الفواصل القرآنية وآياتها دراسة تطبيقية لسورة الاعراف، المناسبة بين الفواصل القرآنية وآياتها دراسة تطبيقية للجزء الاول من سورة البقرة، و المناسبة بين الفواصل القرآنية وآياتها دراسة تطبيقية لسورة الانعام، المناسبة بين الفواصل القرآنية وآياتها دراسة تطبيقية لسورة المائدة و...»

- صحبت الله حسونند در مقاله "فاصله و نقش موسیقایی معنایی آن در قرآن کریم" سعی بر آن دارد که ضمن تبیین "فاصله" در قرآن و شکل‌های ورود آن در آیات، کارکرد موسیقایی و معنایی آن در قرآن کریم بپردازد.

- حسن خرقانی در مقاله "فراهنجاری‌های ادبی در فواصل آیات و تفسیرهای زیباشناسانه و معناشناسانه آن" (مجله دو فصلنامه علوم قرآن و حدیث) کوشیده است، به تحلیل معناشناختی و زیبا شناختی نمونه‌هایی از فراهنجاری‌های پایان آیات بپردازد و آن را در چهار محور افزایش و کاهش برخی حروف و واژگان در فواصل آیات؛ دگرگونی در چینش سخن و گزینش برخی ساختهای سخن به جای برخی دیگر دنبال کند. با تحلیل موارد گوناگون، به این نتیجه نائل آمده که نقش زیبایی‌های لفظی و نکات معنایی با توجه به نوع تغییرات متفاوت است و در افزوده شدن یا کاسته شدن برخی حروف در فواصل آیات، جنبه‌های آوایی پررنگ‌تر می‌شود، اما در چینش و گزینش ساختارهای سخن معنا عنصر اصلی به شمار می‌رود.

خلاصه سخن آن‌که تمامی این پژوهش‌ها، ضمن یادآوری تعریف فاصله و تفاوت آن با سجع و دیدگاه‌های موافقان و مخالفان، و نیز انواع تقسیم‌بندی فاصله، آراء و نظریات دانشمندان علوم قرآنی را در این زمینه بازشناسی نموده و با ارائه گزارش‌های گذشتگان، کیفیت همانندی و هماهنگی فاصله‌ها را ذکر نموده‌اند. از این رو جنبه نوآوری و رویکرد نوین در نوشتار پیش رو، بر

آن است تا با رفع این خلأ پژوهشی در کشف جنبه‌های زیبایی کلام و حیانی، علاقه‌مندان حوزه هنری و ادبی را سیراب سازد.

در همین راستا، در مطالعه حاضر، رویکرد توانش معنایی و مضمونی به ناهمسانی‌های موجود در روی فواصل آیات، از دیدگاه همخوان‌های متقارب در مخرج مورد پژوهش قرار گرفته است تا فرآیند معجزه‌آسای کلام الهی در این گزاره‌ها و نظام همبستگی آوایی و معنایی پایان بندها مکشوف گردد.

۲. واژه فواصل در لغت و اصطلاح

فواصل جمع «فاصله» است و فاصله، اسم فاعل مؤنث، مشتق از فعل (فَصَلَ)، و مؤنث (الفَاصِل) می‌باشد.

در لسان العرب ذیل ماده (الفاصله) می‌خوانیم: «الْخَرَزَةُ الَّتِي تَفْصِلُ بَيْنَ الْخَرَزَتَيْنِ فِي النَّظْمِ، وَقَدْ فَصَّلَ النَّظْمَ. وَعَقْدٌ مَفْصَلٌ أَيْ جُعِلَ بَيْنَ كُلِّ لَوْلُوتَيْنِ خَرَزَةٌ.» (ابن منظور، ۱۴۱۰، ج ۱: ۵۲۱) «دانه یا مهره ای که میان دو دانه یا مهره گسست ایجاد نماید و یک سلسله نظام را جدا کند، و بستن بندگاه یعنی میان هر دو مروارید یک مهره قرار داده شود. معجم الوسیط در تعریف فاصله آورده است: «فاصله در لغت یعنی چیزی که میان دو شیء فاصله می‌افکند؛ در نشانه‌های شماره‌گذاری در نوشتن، علامتی است که میان جمله‌هایی قرار داده می‌شود که کلامی مفید از آن‌ها ساخته می‌شود و یا میان کلمات مرتبط با کلمات دیگر که در طول آن‌ها را به هم شبیه می‌کند، می‌آید.» (انیس و همکاران، ۱۳۵۱، ج ۲: ۶۹۸) راغب در مفردات در توضیح واژه فصل چنین ابراز داشته است: «فصل به معنای جداسازی دو چیز است که بینشان شکافی باشد.» (راغب اصفهانی، ۱۴۲۲: ۳۸۱)

با توجه به آنچه درباره معنای لغوی (فاصله) گفته شد، می‌توان چنین دریافت که:

۱. «فصل» بر تمایز و تفاوت یک چیز بر چیز دیگر دلالت می‌کند؛

۲. در «فصل» انتقال معنای جدایی و دوگانگی وجود دارد و بر این اساس برعکس (فصم) است که شکستن و قطع بدون جدایی معنا می‌دهد؛

۳. «فصل» در مادیات و معنویات رخ می‌دهد؛

۴. اصل در ماده‌ی «فصل» مفهوم مادی آن است، مانند فیصل (بچه شتر) و مفاصل انسان (بند اندام)، سپس در معنای معنوی مانند امر نافذ و روان، حاکم، حکمی که حق و باطل را جدا کند، به کار رفته است؛

۵. تمایز و جدایی و تجزیه بین دو چیز در صورتی «فصل» است که بین آن دو ارتباط و پیوندی باشد مانند مهره‌ای که میان مهره‌های ریسمان یا گردنبند در یک سلسله نظام خاصی به هم پیوند خورده باشند.

پیش از این که فاصله به پایان آیات قرآن کریم اطلاق شود، فراء صاحب کتاب «معانی القرآن» از پایان بندهای قرآن به «رئوس آیات» یاد می‌کند، و مکرر وزن آن‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد؛ همچنین ابواسحاق ابراهیم زجاج، نحوی و لغت‌شناس، در کتاب معانی القرآن به پیروی از فراء اصطلاح «رئوس آیات» را برمی‌گزیند؛ زیرا به‌طور کلی سعی می‌شد تا از کلمه سجع و قافیه پرهیز شود. (رک: فراستخواه، ۱۳۷۶: ۱۳۹) سخن درباره فاصله به قدمت پژوهش‌های ادبی قرآن است: «گویا برای نخستین بار ابوالحسن اشعری، کلمه فاصله را به کار گرفته است، و رمانی آن را ترجیح داده، و بحثی را باب تفاوت فاصله با سجع بیان کرده است.» (زغلول سلام، ۱۹۵۲: ۳۷) رمانی در تعریف ادبی فاصله به برتری و اختلاف آن با سجع تأکید نموده است، و می‌گوید: «فاصله‌ها همان حروف همگن در مقاطع‌اند که موجب زیبایی فهم معنا می‌شوند، و فاصله‌ها، بلاغت‌اند ولی سجع، عیب؛ چون فاصله‌ها تابع معنا هستند اما در سجع معنا تابع آن است.» (خطابی و دیگران، ۲۰۰۸: ۸۹)

فضل عباس با تکیه بر میراث گذشته، «فاصله را آخر کلمه در آیه گفته است مانند قافیه در آخر بیت و سجع در کلام مسجوع.» (فضل عباس، ۱۴۲۲: ۲۲۵) مناع القطان در تعریف فاصله این‌گونه معتقد است: «فاصله همان کلام جداکننده مابعد است که ممکن است ابتدای آیه باشد، فاصله پایان مقطع در بیان سخنان گوینده است.» (خلیل القطان، ۱۹۹۸: ۱۵۳) نیز محمد حسناوی صاحب تألیف مستقل در باب فواصل تحت عنوان «الفاصله القرآنیة» تعریف‌ها و کاربردهای گوناگون را مورد بحث و مناقشه قرار داده، و در تعریف آن «کلمه آخر آیه» را برگزیده است. (الحسناوی، ۲۰۰۰: ۲۵) همچنین به «جزء آخری که ذیل آیه می‌آید و در جایگاه مناسب خود قرار دارد نیز فاصله گفته می‌شود.» (سیوطی، ۱۹۶۷، ج ۲: ۹۶؛ زرکشی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۵۳؛ ابوزید، ۱۹۹۲: ۳۵۰)

بر اساس آنچه در تعاریف اصطلاحی فاصله در گستره مطالعات قرآنی آمد، می‌توان بیان داشت که فاصله از واحدهای تشکیل‌دهنده کلام الهی بوده، و عنصری تأثیرگذار از حیث نغمه‌های شنیدنی و زیبایی ریمیک آیات شناخته شده است. در این بررسی مشخص شد که فواصل از جنبه اوزان متناسب و آهنگین مورد تأکید قرار گرفته است؛ چرا که در تعریف آن، تشابه این کلمات به قافیه در شعر و سجع در نثر دیده می‌شود. اما در بحث جایگاه و موقعیت فاصله در قرآن، عموماً بر این مسئله اتفاق نظر دارند که همان کلمه پایانی آیه محسوب می‌شود. پس از شناخت معنای لغوی و اصطلاحی فاصله و نیز جایگاه آن در کلام الهی، دیگر مؤلفه مهم مقاله یعنی «همخوان‌های

مقارَب در مخرج قابل پی‌جویی است که با تکیه بر این مبانی، گونه‌های ناهمسان در روی فواصل مورد کنکاش و تحلیل قرار گیرند.

۳. همخوان‌های مقارَب در مخرج (جایگاه تولید) در زبان عربی

بدیهی است که هر حرف دارای جایگاه تولید مخصوص به خود است که درجه و نوع آهنگ آن به مخرج ادای آن در دستگاه صوتی بنا شده است. جایگاه تولید یک همخوان، جایی بین لب‌ها و حلق است که اندام‌های گفتار در آن جا، در هنگام تلفظ آن همخوان، بر سر راه ستون هوای برآمده از شش‌ها و قفسه سینه، مانعی ایجاد می‌کنند. این مانع با نزدیک شدن عضوی از اندام‌های پایینی گفتار (فک پایین) به عضوی از اندام‌های بالایی گفتار (فک بالا) ایجاد می‌شود، جایی که این مانع ایجاد می‌شود بسیار مهم است که جایگاه تولید نام می‌گیرد: «آواشناسان و دست‌نویسان مسلمان، جایگاه تولید را مخرج نامیده‌اند. آن‌ها هر جا از مخرج صحبت کرده‌اند، منظورشان چیزی نیست جز جایگاه تولید.» (انیس، ۱۳۷۴: ۱۰۲)

اولین کسی که درباره آواهای زبان عربی و جایگاه و روش تولید آن‌ها سخن رانده، خلیل بن احمد فراهیدی صاحب نخستین معجم زبان عربی؛ کتاب «العین» است: «خلیل بن احمد مخرج عین را داخلی‌ترین نقطه حلق و مخرج میم را بیرونی‌ترین اندام از اندام‌های گفتاری؛ یعنی لب‌ها می‌داند و حروف دیگر را، به فراخور مخرجشان، این‌گونه بین عین و میم قرار می‌دهد: ع، ح، ه، خ، ق، ک، ج، ش، ض، س، ز، ط، ذ، ت، ظ، ث، ت، ر، ل، ن، ف، ب، م، و، ا، ی، ء.» (فراهیدی، ۱۴۲۴: ۳۴) در کتاب العین، مدخل‌های واژگانی بر اساس طرح آوایی فوق تنظیم شده‌اند. بدین‌سان باید خلیل بن احمد را پیش‌تاز دانش زبان‌شناسی و سرآمد آواشناسان زبان تازی که دانش او باعث توجه و رویکرد به آواشناسی شده، به شمار آورد.

سیبویه در بخش پایانی کتاب مشهورش «الکتاب»، توصیف آواشناختی کاملی از حروف زبان عربی آورده است؛ هر چند «برخی این بخش از الکتاب را چکیده آرای خلیل بن احمد درباره حروف عربی می‌دانند.» (انیس، ۱۳۷۴: ۹۶) اما برخی دیگر این آراء را از آن خود او می‌دانند. (بوآس و دیگران، ۱۳۷۶: ۱۲۴) قدر مسلم آن است که سیبویه در این بخش از الکتاب شدیداً تحت نفوذ خلیل بن احمد بوده است. اما از دیگر سو «تمام کسانی که بعد از سیبویه آمده‌اند، سخنان او را درباره مخارج حروف تکرار کرده‌اند و چیزی بر آن نیفزوده‌اند.» (ابن جزری، بی‌تا: ۱۹۸)

می‌توان مجرای که از بالای حنجره شروع شده و به لب‌ها و بینی منتهی می‌شود، مجرای گفتار نامید که شامل سه حفره حلق، بینی یا خیشوم، و دهان است: «این سه حفره، در جریان هوایی که

در مجرای گفتار به حرکت درآمده تغییر ایجاد می‌کنند و موجب پدید آمدن آواهای گوناگون می‌شوند.» (مدرسی قوامی، ۱۳۹۲: ۲۱)

اندام‌های تولید در قسمت سقف دهان عبارتند از: لب بالا، دندان‌های بالای پیشین، لثه، بینی، سخت‌کام و نرم‌کام. و در قسمت فک پایین عبارتند از: لب پایین، بخش‌های مختلف زبان، نای، حلق و تارهای صوتی. با توجه به جایگاه تولید، همخوان‌های عربی به بخش‌های زیر تقسیم می‌شوند:

۱-۳. چاکنایی

در جایگاه تولید حنجره‌ای پرده‌های صوتی اندام تولید فعال هستند و اندام منفعل در تولید آن‌ها وجود ندارد. جایگاه تولید آواهای (ء، هاء) حنجره‌ای یا چاکنایی است.

۲-۳. حلقی

منتهی‌الیه حلق و گلو، یعنی آن قسمتی از حلق که نزدیک سینه انسان است. حروف (عین و حاء) از این مخرج تلفظ می‌شوند.

۳-۳. کامی

همخوان‌هایی هستند که:

۱. از تماس پشت زبان با نرم‌کام تولید می‌شوند؛ اصوات (غین، خاء، کاف، و قاف) نرم‌کامی هستند.

۲. هوا از شش‌ها دفع می‌شود و بدون این‌که تارهای صوتی را به ارتعاش درآورد، از حنجره می‌گذرد. اصوات (جیم، شین و ضاد) سخت‌کامی هستند.

۴-۳. لثه‌ای

همخوان‌های لثوی به دو گونه تقسیم می‌شوند:

۱. دندانانی_لثوی که در تولید این آواها، تیغه زبان به کنار لثه و لبه دندان‌های جلویی نزدیک می‌شود و هوا با سایش از مجرای تنگ ایجاد شده عبور می‌کند. از جمله آواهای دندانانی لثوی می‌توان به (طاء، راء، دال، طاء، ذال و ثاء) اشاره کرد.

۲. تیغه‌ای_پس‌لثوی که در اثر تیغه زبان به بخش فوقانی لثه تولید می‌شود؛ مانند: (زاء، سین: اد، لام، نون)

۵-۳. دولبی

این جایگاه تولید اصلی، دو جایگاه تولید دولبی و لبی_دندانانی را شامل می‌شود. همخوان‌های دولبی، (باء و میم) توسط دو لب ایجاد می‌شوند به‌طوری‌که هنگام تولیدشان دو لب برهم می‌آیند. هنگام تولید همخوان‌های لبی_دندانانی، (فاء، واو) لب پایین بیش‌ترین حرکت را به سمت لب بالا انجام می‌دهد و با لبه دندان‌های بالای جلویی برخورد می‌کند.» (انیس، ۱۳۷۴: ۷۳-۹۷)

بنابراین، جایگاه تولید در زبان عربی بر هفت گونه است؛ یعنی در هفت نقطه از اندام‌های گفتار قاریان قرآن کریم امکان ایجاد مانع هست. در هر جایگاه تعدادی از همخوان‌ها تولید می‌شوند که مختصه آن جایگاه را با خود دارند. آواشناسان مسلمان، در هنگام بحث از فرآیندهای آوایی و مقایسه دو همخوان از اصطلاح متقاربان (دو حرف متقارب) و متباعدان (دو حرف متباعد) استفاده کرده‌اند: «از نظر ایشان ضمن شناخت روش تولید (صفات) و جایگاه تولید (مخرج)، دو همخوان متباعدان را دو حرف غیر هم‌مخرج (بعید المخرج) و غیر هم صفت و متقارب را سه نوع دانسته‌اند: الف: دو همخوان (حرف) قریب المخرج؛ ب: دو همخوان (حرف) هم صفت؛ پ: دو همخوان (حرف) که هم قریب المخرج هستند و هم هم صفت.» (ابن بادش، ۱۴۰۳: ۱۶۴؛ صلاح صالح، ۱۴۰۸: ۳۷-۴۱)

چنان‌چه همخوان‌های عربی بر پایه انگاره‌های مطرح‌شده در این گفتار، به‌صورت جدولی ارائه گردد؛ شباهت و تفاوت همخوان‌ها (حروف) بهتر خود را نشان می‌دهند و جنبه دادوستد متقارب و متباعد بودن آن‌ها در ستون و ردیف‌های مخصوص، نمایان می‌شود. جهت شناسایی حروف متقارب در مخرج، در جدول زیر همخوان‌های عربی از منظر جایگاه تولید، سامان داده شده است:

چاکنایی	حلقی	لی‌ها		لثوی‌ها		کامی‌ها		جایگاه تولید ◀◀◀◀
		دوبلی	دندانی‌ها		پیش‌دانی پس‌لثوی	نرم‌کامی	سخت‌کامی	
			لی‌دندانی	دندانی‌لثوی				
ه‌ها ء	عین حاء	باء میم	فاء واو	ظاء راء دال طاء ذال ثاء	زاء سین صاد لام نون	غین خاء کاف قاف	جیم شین ضاد	همخوان‌های متقارب در مخرج

جدول ۱: جایگاه تولید در همخوان‌های زبان عربی

آن چه بیان شد همه از صور گوناگون حروف متقارب در جایگاه تولید است که به عنوان اساس کار و محور اصلی مقاله در کاوش ناهمسانی روی فواصل در کلام خداوند متعال، قرار می‌گیرد. پیش از پردازش موضوع یادآوری این نکته در کمال ضرورت است که آن چه بر وجه نمونه از آیات قرآنی شاهد آورده شده، تنها یک برداشت محدود و منفرد است؛ لذا جنبه حصر ندارد.

۴. ناهمبستگی روی فواصل آیات بر پایه حروف متقارب در مخرج

در توصیف همخوان‌ها شاخصه جایگاه تولید (مخرج)، منجر به تولید آوای متفاوت زبانی می‌شود و همه اندام‌های مجرای گفتار در تولید هر آوای زبانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بر این اساس تقسیم‌بندی اندام‌های فعال در تولید همخوان‌های زبان عربی در جدولی مطرح شد؛ که در هر جایگاه تعدادی از همخوان‌ها تولید می‌شوند که مختصه آن جایگاه را با خود دارند. چنین همخوان‌ها در نظام آوایی واژگان قرآن، پدیده شگفتی است که آهنگی موزون و ریتمی زیبا را به وجود می‌آورد: «اگر به حروف قرآن که از مخارج درست ادا شود گوش فرا دهیم، احساس لذت می‌کنیم؛ حروفی که دارای شدت و نرمی و لطافت است و آن را به حد اعجاز رسانده است.» (زرقانی، ۱۹۸۸: ۵۵۸-۵۵۹)

حروف در واژگان پایانی آیات، نقش فوق‌العاده را در موسیقی آن ایفا می‌کنند. جابه‌جایی این سازه‌ها و جایگزینی همخوان‌های متقارب در مخرج در فواصل قرآن، کاملاً متناسب با بافت و سیاق آیه‌ای است که از حروف خاصی در آن استفاده شده است؛ تقسیم‌بندی ذیل نمونه‌هایی از ساخت شکنی همخوان‌های روی در حروف متقارب در مخرج را تحلیل و پردازش معنایی نموده است:

الف: راء و دال؛

ب: نون و دال؛

ج: میم و دال؛

د: دال و باء.

۴-۱. راء و دال

جایگاه تولید در توصیف همخوان‌های راء و دال، دندانی-لثوی قرار گرفته است. از منظر صفات حروف، راء وضوح شنیداری بیشتری نسبت به دال دارد و سازوکار جریان هوا، رهشی ارتعاشی و لرزشی را ظاهر می‌سازد اما در دال شدت و سرعت با بازه زمانی کوتاه همراه است. در میان معاصران، حسن عباس به این نکته به‌طور گسترده‌تر پرداخته است: «دال همچون پیرمردی ناشنوا و نابینا است که جز حس لامسه آن را در نمی‌یابد، در سختی و شدت، سنگ چخماق (حجرالصوان)

را می‌نمایاند شایسته و برگزیده‌ترین حرف برای بیان شدت و امور مادی است.» (عباس، ۱۹۹۸: ۶۷)

از ویژگی‌های سبکی حروف، می‌توان به نظام ابدال در آن‌ها اشاره کرد؛ انتقال راء و دال در ابتدای واژه، مانند دجن و رجن به معنای سکنی گزیدن؛ در میانه واژه، سداج و سراج به معنای دروغ‌گو؛ در پایان واژگان، مانند: سهد و سهر، السمهد و السمهر به معنای زمین سخت. (اللغوی، ۱۹۶۱، ج ۱: ۳۶۲)

تغییر همخوان‌های راء و دال، در پایان بندهای آیات سوره فاطر آمده است: «إِنْ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ (۲۳) إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ (۲۴) وَإِنْ يَكْذِبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالزُّبُرِ وَبِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ (۲۵) ثُمَّ أَخَذْتُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (۲۶) أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَ مِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيَضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ (۲۷) وَ مِنَ النَّاسِ وَالدَّوَابِّ وَأَلْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ (۲۸) إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ (۲۹) لِيُؤْفِقَهُمْ أَجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ (۳۰)» (فاطر: ۲۳-۳۰)

جابه‌جایی روی و تنوع همخوان‌هایی که آیات بدان ختم شده، ناشی از گوناگونی خطاب است؛ موضوع سخن در فاصله راء (إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ) مربوط به «فرستادگی آسمانی پیامبر و امور تبلیغ و انداز» می‌شود؛ (زمخشری، ۲۰۰۲: ۵۸۵-۵۸۶) از این جهت راء به خصیصه استمرار و همیشگی و تکرار پیامبری و بیم دادن و عذاب پاداش دلالت دارد. سپس سخن از رویدادهای دینی به امور این جهانی و دنیایی انتقال می‌یابد؛ خداوند در خطاب غیرمستقیم (أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ) به شمارش آیات و نشانه‌ها و قدرت و آثار خلقت خود و آفرینش گونه‌های مختلف می‌پردازد که پایان یافتن با روی دال متناسب و سازگار با مفهوم جدا شدن و شتاب و سرعت نابودی نعمت‌ها و دارایی‌ها دارد. بازآوردن روی راء در آیات ۲۸-۳۰ دلالت بر استمرار خلقت و آفرینش با گونه‌های متفاوت، و پیوسته و ایستادگی کردن دین‌داران بر باورمندی ایشان دارد.

این پدیده سبکی در سوره اسراء به بافت موقعیت مربوط به آیه صورت گرفته است: «وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدَى وَمَنْ يُضِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِهِ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى وَجْهِهِمْ عُمياً وَبُكْمًا وَصُمًّا مَاؤَاهُمْ جَهَنَّمَ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا (۹۷) ذَلِكَ جَزَاؤُهُمْ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا (۹۸) أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلاً لَا رَيْبَ فِيهِ فَأَبَى الظَّالِمُونَ إِلَّا كُفُورًا (۹۹)» (اسراء: ۹۷-۹۹)

دگرگونی روی راء به دال در آیه ۹۸ درخور تعلیلی است که بیان عقاب و کيفر در آیه شریفه را توجیه می‌کند؛ دلالت آوایی دال بر سرعت و زود گذری مفهوم معنایی سرعت بخشیدن به دروغ دوزخیان و آفرینش سریع و مجدد آن‌ها را نمایان ساخته است. سپس روند کلام، با بازگشت به صوت راء، در بیان قدرت و عظمت خداوند، دلالت بر اضطراب و آشفتگی دارد؛ چرا که «صوت راء خود نمایاننده ترس و اضطراب» است. (ابن سینا، ۱۳۳۲: ۸۲)

دیگر موارد این جابه‌جایی در نمونه‌های زیر قابل ملاحظه است: بقره: ۱۷۶؛ آل عمران: ۳۰، ۱۹۴؛ نساء: ۱۱۶، ۱۳۶؛ ابراهیم: ۴۹؛ کهف: ۳۵؛ حج: ۱۴، ۲۴، ۴۲، ۴۵، ۶۴؛ سبا: ۴۶؛ فاطر: ۲۷؛ صافات: ۴؛ زمر: ۲۰؛ غافر: ۴، ۴۴، ۴۸؛ شوری: ۱۶، ۲۸؛ ق: ۴۵؛ حدید: ۲۳؛ مدثر: ۱۱؛ بروج: ۱۲؛ فجر: ۶.

۴-۲. نون و دال

از جمله جایگزینی، تغییرات نون و دال در پایان بندهای آیات است که جابه‌جایی از نون به دال ۲۱ بار، و از دال به نون ۱۳ دفعه انجام گرفته است. تقارب در مخرج میان نون و دال در این است که «نون از قسمت بالایی دندان‌های پیشین و دال از پایه‌های دندان‌های پیشین تولید» می‌شوند. (سیبویه، ۱۴۰۸، ج ۲: ۴۰۵) حرف نون از وضوح شدید در سیستم شنیداری و رهشی کاملاً باز در جریان هوا همراه با مجرای بینی (خیشوم) به دست می‌آید، و دال یادآور سرعت و جنبش سریع می‌باشد.

ابدال دال و نون در واژگان زبان عربی، فراوانی اندک دارد؛ مانند: الدَّقش و النقش؛ مَتَد و مَتَن به معنای اقامت کردن؛ بغداد و بغداد. (اللغوی، ۱۹۶۱، ج ۱: ۳۹۲-۳۹۳)

در آیات سوره زمر، با توجه به جابه‌جایی دال و نون در پایان بندهای آیات آمده است: «أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِّن رَّبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِّن ذِكْرِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۲۲) اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا مَّثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ (۲۳) أَفَمَن يَتَّبِعِ بَوَاجِهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ (۲۴)» (زمر: ۲۲-۲۴)

آیات فوق، مقایسه قسی‌القلب و دل‌نازک را در درک پیام الهی دانسته است که «سخنان خداوند در دل انسان‌های دین‌دار نفوذ کرده؛ ولی دل کافران همچون سنگی سخت است که چیزی را نمی‌پذیرند.» (سید قطب، ۱۳۸۴، ج ۲۴: ۲۶)

فرآیند کلام در بیان حال کافران (أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ) و سرنوشت آنان (أَفَمَن يَتَّبِعِ بَوَاجِهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ)؛ به روی نون ختم شده است؛ چرا که صوت نون متناسب با زاری و اندوه‌باری و غم است که دلالت بر جاودانه بودن آن‌ها در دوزخ دارد: «اتتهاء الفواصل بحرف النون الذي يوحى بالأنين.»

(السلامی، ۱۹۸۰: ۲۴۵) اما در روی مختوم به دال، مفهوم تذکر و یادآوری رحمت الهی و توصیف قرآن بر اینکه از جهت ساختار و محتوا به گونه‌ای است که بر سوادای روان آدمی نفوذ می‌کند؛ (تَشْعُرُ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ)؛ القای سرعت و جدایی زود هنگام از آوای دال دریافت می‌شود.

در آغاز سوره نبأ، دگرگونی نون و دال متناسب با مفهوم آیه تحقق و تجسم یافته است: «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ» (۱) عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيمِ (۲) الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ (۳) كَلَّا سَيَعْلَمُونَ (۴) ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ (۵) أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا (۶) وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا (۷)» (نبا: ۱-۷)

در این جابه‌جایی، بافت کلام از مفهوم توصیف روز قیامت به شمارش نعمت‌های الهی تغییر یافته است؛ «صوت نون متناسب و هماهنگ با پیوستگی و استمرار» (محمد شاهین، ۱۹۸۰: ۱۱۱) است که از معنای فعل (يَتَسَاءَلُونَ) برمی‌آید: «فعل يتسائلون با تاء و الف زائده و روی واو و نون، هم‌آهنگ با استمرار است، چنان‌که هیچ فعل مرادفی دارای چنین هم‌آهنگی با معنا نیست.» (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۴: ۴) و صوت دال با عنصر شدت، با فضای خلقت و نعمت متناسب و مطابق است. آیات این سوره به همخوان‌های شدید (دال، باء، قاف، جیم، و تاء) به جز (لباسا، معاشا، و الفافا) پایان یافته است، بدین ترتیب حروف آخر آن‌ها با معانی نعمت و کيفر و پاداش و هر آنچه که خواستار قدرت و شدت است هماهنگ و سازگار آمده است.

این‌گونه دگرگونی‌ها در نمونه‌های زیر قابل ملاحظه است:

بقره: ۱۲۵، ۲۵۳، ۲۶۷؛ هود: ۶۸، ۸۹، ۹۵، ۹۷؛ ابراهیم: ۱۴؛ کهف: ۳؛ حج: ۱۲؛ لقمان: ۱۲، ۲۶؛ احزاب: ۱۱؛ زمر: ۱۷، ۲۳، ۳۶؛ شوری: ۱۶؛ واقعه: ۲۸؛ مجادله: ۶؛ کافرون: ۳.

۳-۴. میم و دال

دگرگونی در همخوان‌های میم و دال، به گونه نزدیک به هم صورت گرفته است؛ چنان‌که در بافت آیات قرآنی، جابه‌جایی میم به دال ۱۹ مرتبه، و دال به میم ۲۰ مرتبه یافت می‌شود. جایگاه تولید در میم از بین دو لب‌ها و دال از قسمت دندان‌های پیشین، موجب تقارب در مخرج بین آن‌ها شده است. دال از اصوات انفجاری (انسدادی) است که جریان هوا در مجرای گفتار بسته، سپس با سرعت رها می‌شود؛ و هنگام تلفظ میم استمرار هوا در مجرای بینی رهشی آزاد را نشان می‌دهد. ابدال میم و دال در واژگان زبان عربی، کاربرد اندک دارد؛ در آغاز واژه، مانند: الدائق و المائق به معنای بسیار احمق؛ در میانه واژه، مانند: اردیت و ارمیت علیه به معنای گذشتن؛ در انتهای واژه، مانند: الشکد و الشکم به معنای بخشیدن. (اللغوی، ۱۹۶۱، ج ۱: ۳۸۸-۳۹۱)

تغییر همخوان‌های میم و دال در روی پایان بندهای آیات سوره فصلت، تغییر سبک را نشان می‌دهد: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ (۴۱) لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ (۴۲) مَا يَقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو

مَغْفِرَةً وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ (۴۳) وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُضِّلَتْ آيَاتُهُ أَأَعْجَمِي وَعَرَبِي قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءً وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يُنَادَوْنَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ (۴۴)» (فصلت: ۴۱-۴۴)

این گونه تعبیر در بیان برتری کتاب الهی و نادانی کافران و پیامد گردنکشی آنان آمده؛ در آیه ۴۲ و ۴۴ که به روی دال ختم شده است، «توصیف قرآن کریم به رهنمونی به حق و شفای دل‌ها» را می‌نمایاند. (زمخشری، ۲۰۰۲: ۹۷۰-۹۷۱) در صورتی که در روی میم، بافت کلام به سخن پیامبر π انتقال می‌یابد؛ و گفتار وی به کافران چنان‌که «پیامبران پیشین با لحن تهدیدآمیز و نکوهش، پیام خود را رسانده‌اند»؛ (همان: ۹۷۰) با روی میم به تناسب معنای افسوس و غم و اندوه از یاری رساندن به کافران، به کمک القای معانی آمده است. اما در روی دال، به جهت گسست ناگهانی و شدت سخن هنگام گفتار، جوی سرزنش‌آمیز و هراس‌انگیز را برای یادآوری سرنوشت کافران، مجسم می‌کند.

در آیات سوره ممتحنه، ناسازگاری میم و دال در حروف روی، این گونه ظاهر شده است: «رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَافْزُقْنَا يَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۵) لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۶) عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۷)» (ممتحنه: ۵-۷)

آیه پنجم بخشی از دعای حضرت ابراهیم γ در مقام جانشینی قوم خویش است که در آیه پیشین آن را توضیح می‌دهد: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَتَيْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ» (ممتحنه: ۴)

پایان یافتن آیات ۵ و ۷ به روی میم، متناسب با فضای دعا و امیدواری است؛ چرا که صوت میم از صفت غنّه و اندوه‌باری برخوردار است، سپس جابه‌جایی به صوت دال، سازگار و هماهنگ با مفهوم بازداشتن و دوراندیشی را می‌نمایاند.

آیات زیر از نظر ناهمانندی حروف روی میم و دال، مشابه هم هستند:

بقره: ۲۰۵؛ نساء: ۳۳، ۴۱، ۱۳۱، ۱۵۹، ۱۶۶؛ ابراهیم: ۷؛ احزاب: ۵۵؛ حج: ۲، ۲۰، ۲۶، ۵۳؛ کهف: ۶۶؛ سبا: ۶؛ فصلت: ۱۳؛ ممتحنه: ۶؛ تغابن: ۷؛ کافرون: ۵.

۴-۴. دال و باء

جابه‌جایی همخوان‌های دال و باء در پایان‌بندی‌های آیات، فراوان یافت می‌شود؛ به‌طوری‌که از دال به باء ۴۱ بار و از باء به دال ۴۵ بار تغییر صورت گرفته است. جایگاه تولید در دال، دندان‌های پیشین و باء میانه دو لب، «به جهت اتصال و نزدیکی اندام‌های گفتاری، مقارن و هم سو در

مخرج می‌باشند». (اسعد، ۱۹۶۸: ۶۳) ابدال دال و باء در واژگان زبان عربی، بسیار اندک به کار رفته است؛ در آغاز کلمه: بُلْعَس و دِلْعَس به معنای سست گوشت؛ در میانه کلمه: انبری و اندری به معنای پیش آمدن؛ در پایان کلمه: اَجْلَعَبَّ و اَجْلَعَدَّ به معنای روان و دراز گردیدن. (اللغوی، ۱۹۶۱، ج ۲: ۵۸۲-۵۸۳)

جایگزینی روی دال و باء در فواصل آیات سوره رعد از این قرار است: «كَذَلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ لِيَتْلُوَ عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَانِ قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ (۳۰) وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كَلِمَ بِهِ الْمَوْتَى بَلِ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا أَقَلَمَ يَبْسُ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهْدَى النَّاسَ جَمِيعًا وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُمْ بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِنْ دَارِهِمْ حَتَّى يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْلِفُ الْمِيعَادَ (۳۱) وَلَقَدْ اسْتَهْزَى بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَاُتِلَتْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ (۳۲)» (رعد: ۳۰-۳۲)

ساختار حروف روی از باء به دال، سپس دوباره به باء ختم و بسته شده است. جنبه گفتار در آیات دارای روی باء، خطاب مستقیم به پیامبر π است؛ چنان‌که کاف مخاطب و تاء مخاطب در فعل مضارع و فعل امر مفرد در الفاظ (أَرْسَلْنَاكَ، لِيَتْلُو، إِلَيْكَ، قُل، قَبْلِكَ) گواه این مطلب است. مراد از این آیات، آن است که «پیامبر π همچون دیگر پیامبران پیشین در میان خاندان خویش فرستاده شد پس وی را دروغ‌گو خواندند و استهزاء کردند تا این‌که عاقبت، گرفتار مجازات شدند و آنان آخرین امت و پیامبر آخرین پیامبران بود.» (الرازی، بی تا، ج ۱۹: ۴۳) درحالی‌که در آیه شامل بر روی دال، روند «خطاب همگانی شده و به درخواست مردم مکه که از پیامبر حرکت کوه‌ها و زنده کردن مردگان را می‌خواستند، اشاره می‌کند.» (همان: ۴۴)

روی باء به واسطه‌ی دلالت بر اعلان و آشکار نمودن «يَتَغَلَّبُ عَلَيْهِ مَعْنَى الظُّهُورِ»، (الارسوزی، بی تا، ج ۱: ۸۸) تصویر موقعیت فرستادن پیامبران و دروغ گردانیدن وی را منعکس می‌کند. آیه‌ای که به روی دال ختم و بسته شده است، نمایانده سرسختی کافران و درخواست معجزه از یک‌سو، و خودسری مؤمنان در اصرار بر ایمان آوردن کافران از جهتی دیگر است؛ زیرا که «صوت دال با دلالت بر سختی و استواری» توصیف سختی عذاب و کیفر کافران را به تصویر کشیده است. (عباس، ۱۹۹۸: ۶۷)

بافت ناهم‌اند حروف روی میم و دال در این آیات، به تغییر سبک و موقعیت اشاره دارد: «وَالَّذِينَ يَحَابُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتَجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ (۱۶) اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ (۱۷) يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يَمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ (۱۸)» (شوری: ۱۶-۱۸)

همخوان‌های روی در فاصله‌های آیات فوق، از دال به باء، سپس مجدداً به دال بازگشته‌اند. ساختار آیات دارای روی دال، درباره برهان مشرکان و شکاکان حقیقت آمده است، دال با دلالتی که بر سختی و استواری می‌کند، متناسب با سرسختی و لجاجت مشرکان در بیان حجت آن‌ها دارد. در صورتی که در روی باء، تغییر بافت آوایی برای دست یافتن به دلالت آشکاری و پیدایش قیامت (لَعْلَ السَّاعَةِ قَرِيبٌ) دارد؛ چرا که «ترجی در این آیه جزء انشاء آمده و به معنای بیم دادن است.» (سیوطی، ۱۹۶۷، ج ۳: ۳۶۹)

این جایگزینی را می‌توان در پایان بندهای آیات ذیل یافت: آل عمران: ۹؛ مائده: ۲؛ انفال: ۵۲؛ رعد: ۱۹، ۳۲؛ سبا: ۹، ۴۸، ۵۰؛ ص: ۱۳، ۳۴، ۳۹، ۵۵؛ هود: ۶۱، ۷۷، ۸۱، ۸۸، ۱۰۱؛ کهف: ۵، ۱۸، ۶۰؛ صافات: ۸؛ غافر: ۵، ۲۷، ۳۰، ۳۴، ۴۵، ۴۹؛ ابراهیم: ۹؛ اسراء: ۵۱؛ زمر: ۱۸؛ فصلت: ۴۵؛ شوری: ۱۷؛ ق: ۲، ۲۵، ۳۸؛ واقعه: ۳۱؛ معارج: ۷؛ جن: ۸، ۱۲، ۱۵؛ بروج: ۱۹؛ فجر: ۳.

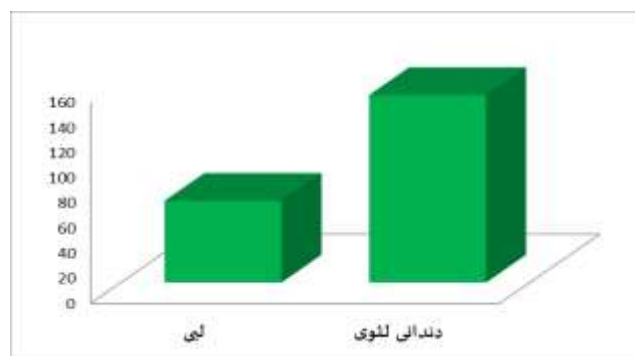
گونه تقارب در مخرج میان همخوان‌های روی در پایان بندهای قرآن، گاه در دلالت کلی و زمانی دیگر در دلالت جزئی و تفصیلی و سبک زبانی و بلاغی به تغییراتی منجر می‌شود که ضمن ایجاد ریتم و آهنگ، تابع نوع موضوع و بیان تجلی می‌یابند؛ اگر چه این دگرگونی‌های به صورت کاربرد اندک و انتقال زبانی محدود می‌نمایند.

در این گفتار مشخص شد که واژگان قرآن معانی را تجسم می‌بخشند؛ از این رو ترکیب و هم‌نشینی حروف در واژه‌ها، علاوه بر آهنگ و موسیقی خاص، بامعنا تناسب تام دارند. از جمله ویژگی حروف، نزدیکی و همخوانی آن‌ها در مخرج است که برخی از کناره‌های لب و زبان ادا می‌شوند؛ بعضی با گرفتگی گلو؛ پاره‌ای با تماس لب و دندان‌ها و نوک دندان‌های پیشین؛ و بعضی با غنّه و درهم پیچیدن صدا در بینی به هم می‌رسند. موسیقی در واژگان قرآن، به طبیعت واژگان در زبان عربی باز می‌گردد؛ از مؤلفه‌های شکل‌گیری موسیقی در قرآن؛ پایانی‌های آیات است که همخوان‌های متقارب در مخرج، نقشی فوق‌العاده را در موسیقی و القای معانی و تداعی تصویر و موقعیت آیات ایفا می‌کنند. جایگزینی حروف روی بر اساس نزدیکی جایگاه تولید حروف، نشان‌گر دقت در گزینش و بافتی است که دلالتی کلی و یا جزئی را می‌طلبد. چنان‌که در گفتار پیش رو، نکات موسیقایی و دلالت معنایی جابه‌جایی سازه‌های به پیشگاه مخاطب ارائه گردید. در اینجا جدولی مخصوص در جهت گردآوری جداگانه و بررسی دقیق‌تر همخوان‌ها آمده است تا از منظر حروف متقارب در صفت، شمارش جابه‌جایی آن‌ها در روی فواصل قرآنی و جنبه بسامد حروف نشان داده شود:

شمارش جایگزینی حروف روی متقارب در مخارج در پایان بندهای آیات					همخوان‌های روی
نون	میم	راء	باء	دال	
۱۴	۲۰	۲۶	۴۵	-	دال به
-	-	-	-	۴۱	باء به
-	-	-	-	۲۸	راء به
-	-	-	-	۱۹	میم به
-	-	-	-	۲۱	نون به

جدول ۲: شمارش جایگزینی حروف روی پایان بندهای آیات بر پایه حروف متقارب در مخارج

همان‌طور که در جدول ملاحظه می‌شود، روند انتقال همخوان‌ها، کاربرد یکسان نداشته‌اند و دارای اختلاف و گوناگونی است؛ به‌طوری‌که حرف دال و باء بیش‌ترین تغییرات و نون و دال کم‌ترین جابه‌جایی را به خود اختصاص داده است. لذا این فراوانی در حرف دال به اوج خود می‌رسد، سپس حروف باء، راء، میم، و نون در مرتبه بعدی قرار گرفته‌اند. نکته مهم در دلالت آوایی دال آن است که هماهنگ با فضای محتوایی و ارتباط معنایی، مفهوم صلابت و سختی و استواری را برای ضرب‌آهنگ کلام فراهم می‌سازد. با توجه به این ارزش و اهمیت جایگاه تولید در دلالت معنایی حروف، در نمودار زیر فراوانی همخوان‌های روی بر اساس حروف متقارب در صفت نشان داده شده است:



جایگاه تولید همخوان‌ها	به لی	به دندانی لثوی
شمارش کلی جابه‌جایی	۶۵	۱۴۹
درصد جابه‌جایی	۳۰٪	۷۰٪

نمودار ۱: شمارش و درصد جایگزینی همخوان‌های متقارب در مخرج با تأکید بر حروف روی فواصل آیات

با امعان نظر در نمودار فوق‌الذکر مشاهده می‌شود، از منظر جایگاه تولید، جابه‌جایی همخوان‌ها در روی پایانی‌های آیات، فراوانی حروف دندانی لثوی یعنی دگرگونی به حروف دال، راء، و نون، ۱۴۹ مرتبه و ۷۰ درصد تحقق‌گراییده است. این تغییرات هماهنگ با بافت کلام و دلالت معنایی سخن است که متناسب با معنا دگرگون می‌شوند؛ حروف یادشده دلالت بر سختی و صلابت و وضوح شدید و استمرار و همیشگی بودن دارند. سپس حروف دولبی (باء و میم) هستند که مفهوم اعلان و آشکار نمودن و اطاله و استمرار کلام را می‌نمایانند. جایگاه تولید (مخرج) و شیوه تولید (صفات) همخوان‌ها، نمایاننده جوی از هماهنگی فشرده و اوج معانی می‌باشند که در گفتار پسین جنبه‌های دگرگونی آن‌ها در فاصله‌ها بررسی و تحلیل شده است.

نتیجه‌گیری

بحث موسیقی قرآن، دارای بخش‌ها و اجزایی است که در روابط منسجم و یکپارچه با یکدیگر به وجود می‌آید. در موسیقی کلام الهی، آهنگ واژگان و هم‌نشینی حروف دخیل‌اند و از عناصر مهم در کنار محتوا به شمار می‌آیند. یکی از وجوه بسیار مهم سمفونی‌های قرآن، فرازهای پایان آیه‌ای است که به صورت موسیقی اعجاز‌آمیز و ریتمی زیبا و شگفت، متناسب و هماهنگ با بافت و موقعیت کلام استفاده شده‌اند. به دیگر سخن، چیدمان سازه‌های پایانی آیات، ارتباط و پیوند معنایی زیبا و باشکوهی است که به گونه‌ای جذاب و گیرا در نظام آوایی و موسیقایی قرآن متجلی شده است. بررسی نظام آوایی و معنایی حروف در پیکره و سبک پایان‌بندی‌های آیات موضوع مهمی است که از حیث ساختار و محتوا، طبق تعبیر قرآن‌پژوهان از گنج‌های پنهان انوار کلام الهی محسوب می‌شود و از دیدگاه چینش نظام‌مند و منسجم و متناسب و هماهنگ، جلوه‌های شگفت معنایی و تصویرگری آوایی را رهنمون می‌شود. از این رو در این پژوهش، محور اساسی پیرامون ناهمسانی‌های موجود در روی فواصل پی گرفته شده است، و با تکیه بر همخوان‌های متقارب در مخرج، این پدیده معجزه‌آسا، مورد ژرف کاوی قرار گرفته است. با توجه به یافته‌های پژوهش، می‌توان این‌گونه بیان داشت که در سطح ناهمسانی و جابه‌جایی سازه‌های روی در پایان بندی‌های آیات، همخوانی و سازواری معنایی آیات با تکیه بر یافته‌های حروف، به منصفه ظهور و بروز

رسانده شده است. حضور اصوات متفاوت در فقره های پایانی آیات، تداعی‌گر لحظات و تصویرپردازی‌های زیبا و مبتکرانه‌ای است که نظم و آهنگ حاکم بر مجموعه آیات را در خدمت معانی قرار داده است، و رعایت فواصل آیات متناسب با موضوع هر قسمت، ضرب آهنگی متفاوت را ایجاد می‌نماید. رهاورد این نوشتار با نگرش جدید به پایانی‌های آیات بدین نتیجه رسیده است که حوزه ناهمانندی حروف متقارب در مخرج در روی فواصل، با دلالت‌های همانند همراه بوده است، به گونه‌ای که گویا دلالت یکسان با تقسیم به جزئیات پا به عرصه گذاشته‌اند، اما در سبک بیان ناهمگون ظاهر شده‌اند. به عبارتی دیگر، تغییر در ساختار روی از دید حروف متقارب در مخرج، در دلالت‌های همانند یافت می‌شود، اما در اسلوب خطاب از مستقیم به غائب یا تقریر مختلف می‌شود؛ لذا فاصله در قرآن تنها به موسیقی آیات کمک نمی‌کند؛ بلکه به تغییراتی منجر می‌شود که برخی از ترکیب‌ها و دلالت‌ها و اسلوب‌های بیانی را از حالت عادی خارج می‌سازد. از این رو، از خلال ساختارهای زبانی ناهمگون، ارتباط و تناسب و نظام‌مندی خطوط سوره به هم پیوند می‌خورند.

منابع و مآخذ

* قرآن کریم.

ابن بادش، احمد بن علی، (۱۴۰۳)، الاقناع فی القرائات السبع، حققه و قدمه علیه: عبدالمجید قطامش، دمشق: دارالفکر.

ابن جزری، شمس‌الدین، (بی‌تا)، النشر فی القرائات العشر، اشرف علی تصحیحه: علی محمد الضباع، بیروت: دار الکتب العلمیه.

ابن سینا، علی ابن الحسین، (۱۳۳۲)، اسباب حدوث الحروف، تحقیق: محب الدین الخطیب، القاهرة: مطبعه المویده.

ابن منظور الافریقی، محمد بن مکرم، (۱۴۱۰)، لسان العرب، بیروت: دار الفکر.

ابوزید، احمد، (۱۹۹۲)، التناسب البیانی فی القرآن، مغرب: کلیه الاداب و العلوم الانسانیه رباط.

الارسوزی، زکی، (بی‌تا)، المؤلفات الکامله، جامعه الکویت: کلیه التجاره.

انیس، ابراهیم، (۱۳۷۴)، آواشناسی زبان عربی، مترجمین: ابوالفضل علامی فر سفیدرو، تهران: انتشارات اسوه.

انیس، ابراهیم؛ منتصر، عبدالحلیم؛ صوالحی، عطیه؛ خلف احمد، محمد، (۱۳۵۱)، المعجم الوسیط، اشرف علی الطبع: حسن علی عطیه؛ محمد شوقی امین، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- بوآس، ژرژ؛ ژان پاتریک، گیوم؛ جامل ادین، کول اوغلی، (۱۳۷۶)، سیر زبان‌شناسی در جهان اسلام: دیرینه زبان‌شناسی عربی. ترجمه: سید علی میرعمادی، تهران: انتشارات رهنما.
- الحسناوی، محمد، (۲۰۰۰)، الفاصله فی القرآن، عمان: دار عمار للنشر و التوزيع.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین، (۱۳۷۲)، قرآن‌پژوهی، تهران: نشر فرهنگی مشرق.
- خطابی، حمد بن محمد؛ رمانی، علی بن عیسی؛ جرجانی، عبدالقاهر، (۲۰۰۸)، ثلاث رسائل فی إعجاز القرآن، تحقیق: محمد خلف الله؛ محمد زغلول سلام، قاهره: دار المعارف.
- الرازی الشافعی، فخر الدین. (بی تا)، التفسیر الکبیر و مفاتیح الغیب، تحقیق: عماد زکی البارودی، مصر: المكتبة التوفيقية.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۲۲)، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: محمد سید کیلانی، بیروت: دارالمعرفة.
- زرقانی، عبد العظیم، (۱۹۸۸)، مناهل العرفان فی علوم القرآن، تحقیق: احمد شمس‌الدین، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- زرکشی، بدر الدین، (۱۳۹۱)، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالمعرفة.
- زغلول سلام، محمد، (۱۹۵۲)، اثر القرآن فی التطور النقد العربی الی آخر القرن الرابع الهجری، مقدمه: محمد خلف الله احمد، مکتبه الشباب.
- زمخشری، جار الله محمود بن عمر، (۲۰۰۲)، تفسیر الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، علّق علیه: خلیل مأمون شیخا، بیروت: دار المعرفة.
- السلامی، عمر عبد السلام، (۱۹۸۰)، الاعجاز الفنی فی القرآن، تونس: مؤسسات عبد الکریم بن عبد الله.
- سیبویه، عمرو بن عثمان، (۱۴۰۸)، الکتاب، محقق: هارون عبدالسلام محمد، قاهره: مکتبه الخانجی.
- سیوطی، جلال الدین، (۱۹۶۷)، الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق: ابوالفضل محمد ابراهیم، قاهره: مکتبه و مطبعه مشهد الحسینی.
- الشاربی، سید قطب ابراهیم حسین، (۱۳۸۴)، فی ظلال القرآن، ترجمه: مصطفی خرم‌دل، تهران: نشر احسان.
- صلاح صالح، سیف، (۱۴۰۸)، العقد المفید فی علم التجوید، راجعه و صححه: الشیخ محمد سعید فقیر الافغانی، عمان: المکتبه الاسلامیه.
- طالقانی، سید محمود، (۱۳۶۲)، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- عباس، حسن، (۱۹۹۸)، خصائص الحروف العربیه و معانیها، دمشق: اتحاد الکتاب العرب.

- علی، اسعد، (۱۹۶۸)، تهذیب المقدمه اللغویه للعلایلی، لبنان: دار النعمان.
- فرستخواه، مقصود، (۱۳۷۶)، زبان قرآن، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۲۴)، العین مرتباً علی حروف المعجم، ترتیب و تحقیق: عبدالحمید هنداو، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- فضل عباس، سناء، (۱۴۲۲)، اعجاز القرآن الکریم، اردن: دار الفرقان.
- القطان، مناع خلیل، (۱۹۹۸)، مباحث فی علوم القرآن، بیروت: مؤسسه الرساله.
- اللغوی الحلبي، ابو الطیب، (۱۹۶۱)، الابدال، تحقیق: عز الدین التتوخی، دمشق، مجمع اللغة العربیه.
- محمدشاهین، توفیق، (۱۹۸۰)، علم اللغة العام، بیروت: دار التضامن.
- مدرسی قوامی، گلناز، (۱۳۹۲)، آواشناسی: بررسی علمی گفتار، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

Acknowledgements

We would like to express our thanks to reviewers for their valuable suggestions on an earlier version of this paper.

Declaration of Conflicting Interests

The author(s) declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship and/or publication of this article.

Funding

The author(s) received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

REFERENCES

- *The Holy Quran.
- Ibn Bazesh, A., (1982), *Al-Eqnaa fi al-Qera'at al-Sabe*, research: Abd al-Majid, Damascus: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Ibn Jazri, Shams al-Din, (Not Date), *Al-Nashar fi al-Qera'at al-Ashr*, Ashraf Ali, research: Ali Muhammad al-Dubaa, Beirut: Dar al-Kitab al-Elmiya. [In Arabic]
- Ibn Sina, A., (1953), *The reasons for the occurrence of letters*, research: Moheb al-Din al-Khatib, Cairo: Al-Moweida Press. [In Arabic]
- Ibn Manzoor, M., (1989), *Lesan al-Arab*, Beirut: Dar Al-Fikr. [In Arabic]
- Abu Zaid, A., (1992), *Al-Tanasob al-Bayani fi al-Qur'an*, Maghreb: department Literature and Humanities of Robat. [In Arabic]
- Al-Arsozi, Z., (Not Date), *Al-Mullefat al-Kamelah*, Al-Kuwait university: department al-Tejara. [In Arabic]
- Anis, E., (1995), *Phonetics of the Arabic language*, translators: Abolfazl Allami Far Sefidro, Tehran: Osweh Publications. [In Arabic]
- Anis, Ib., Muntaser, A., Sawalhi, A., Khalaf Ahmad, M., (1972), *Al-Mu'jam al-Wasit*, research: Hassan Ali Atiyeh; Mohammad Shoghi Amin, Beirut: Dar ehya al-Torath al-Arabi. [In Arabic]
- Boas, G., Jon Patrick, G., Jamel Edin, K., (1997), *The Course of Linguistics in the Islamic World: Ancient Arabic Linguistics*. Translation: Seyyed Ali Mir emadi, Tehran: Rahnema Publications. [In Persian]
- Al-Hasnawi, M., (2000), *Al-Faselah Fi Al-Qur'an*, Amman: Dar Ammar Publications. [In Arabic]
- Khorramshahi, B., (1372), *Qur'an studies*, Tehran: Mashreq Farhangi Publications. [In Persian]
- Khattaby, H., Romani, A., Jurjani, A., (2008), *Three Letters in the Miracle of the Qur'an*, research: Mohammad Khalafullah; Mohammad Zaghloul Salam, Cairo: Dar al-Maarif Publications. [In Arabic]

Al-Razi Al-Shafe'i, F., (Not Date), *Al-Tafseer Al-Kabir and Mafatih Al-Gheib*, Research: Imad Zaki Al-Baroudi, Egypt: Al-Toufiqiyah Publications. [In Arabic]

Ragheb Esfahani, H., (2001), *Al-Mufradat fi Gharib al-Qur'an*, research: Mohammad Seyed Kilani, Beirut: Dar al-Marafa Publications. [In Arabic]

Zarqani, A., (1988), *Manahel al-Irfan fi Ulum al-Qur'an*, research: Ahmad Shamsuddin, Beirut: Dar al-Kotob al-Ulamiya. [In Arabic]

Zerekshi, B., (2012), *al-Borhan fi Ulum al-Qur'an*, research: Mohammad Abulfazl Ibrahim, Beirut: Dar al-Marefa Publications. [In Arabic]

Zaghloul Salam, M., (1952), *The work of the Qur'an in the evolution of al-Samat Al-Arabi until the end of the fourth century of the Hijri*, introduction: Muhammad Khalafullah Ahmad, School of Al-Shabaab. [In Arabic]

Zamakhshari, J., (2002), *Tafsir al-Kashshaf*, research: Khalil Ma'mun Shiha, Beirut: Dar al-Marefa Publications. [In Arabic]

Al-Salami, O., (1980), *Al-Ijaz al-Fani fi al-Qur'an*, Tunis: Abd al-Karim bin Abdollah Institutes. [In Arabic]

Sibavayeh, O., (1987), *Al-Ketab*, research: Harun Abd al-Salam Muhammad, Cairo: Al-Khanji Publications. [In Arabic]

Siyuti, J., (1967), *Al-Itqan fi Ulum al-Qur'an*, research: Abulfazl Muhammad Ibrahim, Cairo: Mashhad al-Husseini Publications. [In Arabic]

Al-Sharebi, S., (2005), *Fi zelal Al-Qur'an*, translated by: Mostafa Khorramdel, Tehran: Ehsan Publications. [In Persian]

Salah Saleh, S., (1987), *Al-Aqd al-Mufid fi ilm al-Tajwid*, research: Al-Sheikh Muhammad Saeed Faqir al-Afghani, Omman: Al-Maktabeh al-Islamiyya Publications. [In Arabic]

Taleghani, S., (1983), *A Light from the Qur'an*, Tehran: Publishing Company. [In Persian]

Abbas, H., (1998), *Characteristics of Arabic Letters and their Meanings*, Damascus: Ittihad Al-Kitab al-Arab Publications. [In Arabic]

Ali, A., (1968), *Tahdhib al-Moqadama al-Laghawiyeh for Al-Alayeli*, Loban: Dar al-Nu'man Publications. [In Arabic]

Ferast khah, M., (1997), *The Language of the Qur'an*, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company. [In Persian]

Farahidi, K., (2003), *Al-Ein*, research: Abdul Hamid Handawi, Beirut: Dar Al-Kotob Al-Elmiya. [In Arabic]

Fazl Abbas, S., (2001), *Iejaz al-Qur'an al-Karim*, Jordan: Dar al-Furqan.

Al-Qattan, M., (1998), *Discussions in the Sciences of the Qur'an*, Beirut: Al-Resalah Institute. [In Arabic]

Al-Loghawi al-Halabi, A., (1961), *Al-Ebdal*, research: Ezz al-Din al-Tanukhi, Damascus, Majma al-Loghah al-Arabiya. [In Arabic]

Mohammad Shahin, T., (1980), *Elam al-Loghah al-Aam*, Beirut: Dar al-Tazamon. [In Arabic]

Modaresi Qavami, G., (2012), *Phonetics: A Scientific Study of Speech*, Tehran: Organization for Studying and Compiling Humanities Books of Universities (Samt). [In Persian]